



اندیشه و رفتار از دیدگاه ابن خلدون

دکتر محمد علی شیرازی*

والله واسع علیم، یوتی الحکمة من یشاء و من یوت الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً و
ما یدکر الا اولوالالباب.

(بقره، ۲۶۹-۲۶۸)

و خدا گشادی بخش و دانا است. اندیشه و فرزاندگی را به هر که خواهد، دهد و هر که اندیشه و
فرزاندگی یافت، خوبی فراوان یافت و جز خردمندان اندرز نگیرند.

(از ترجمه، ابوالقاسم پاینده)

چکیده:

ابن خلدون، متفکر و فیلسوف اسلامی، بشر را جاهل، و بوسیله اندیشه عالم می‌داند و
افتراق بین انسان و حیوان را در اندیشیدن می‌داند. سه مرتبه برای اندیشه قائل است: اندیشه
تمیزی، اندیشه تجربی، اندیشه نظری، و رفتار معقول و منسجم انسان را ناشی از اندیشه می‌داند
(آغاز کار پایان اندیشه است). رفتار و اندیشه آموختنی و ناشی از قوه لایزال الهی است.
دیدگاههای ابن خلدون در اندیشه و رفتار، ناشی از آیات کریمه قرآن است.

کلید واژه: اندیشه، رفتار، ابن خلدون

عبدالرحمن بن محمد بن خلدون حصرمی، (۱۳۲۲ میلادی) در تونس، و متوفی به سال ۸۰۸ هجری
فیلسوف و مورخ بزرگ اسلامی متولد ۷۳۲ هجری قمری (۱۴۰۶ میلادی) در قاهره است.

* روانپزشک و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران، کوی نصر، مرکز روانپزشکی شهید اسماعیلی.

ابن خلدون فیلسوف، جامعه شناس، روان شناس و سیاستمدار بزرگی بود و از پیشگامان فلسفه تاریخ و روان شناسی اجتماعی است. مهمترین اثر جامع وی در هفت جلد بنام "العبر و دیوان المبتداء و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر" شامل تاریخ جهان است که مقدمه این کتاب از شاهکارهای تفکر اسلامی است و به مقدمه ابن خلدون معروف است.

بیماریهای منبعت از فرهنگ، درمانهای مختص به خود را طلب می کند و آشنایی روانپزشکان و روان شناسان ما با مکاتب فکری اسلامی، راهگشای آنها در درمان و کمک به بیماران است. در ادبیات روانپزشکی و روانشناسی فصول متعددی در ارتباط با اندیشه و رفتار از دیدگاههای مکاتب فکری مختلف موجود است ولی کمتر نشانی از این دو مقوله از دیدگاه مکاتب فکری اسلامی دیده می شود. مقاله زیر کوشش کوچکی در این راستا است، به امید اینکه محققین و پژوهشگران، در این مهم ما را یاری فرمایند.

"بزرگترین توانایی بشر آن است که می تواند اندیشه ای پیچیده داشته باشد و این اندیشه را از راه تکلم به دیگران منتقل کند و برای ایجاد رابطه از آن استفاده نماید." منظور از تهیه این مقاله بررسی دیدگاههای ابن خلدون درباره اندیشه و رفتار است. نخست نظری خلاصه داشته باشیم بر اندیشه و رفتار از دیدگاه روانپزشکی و روانشناسی جدید.

"اندیشه عالی ترین و بغرنج ترین پوشش شناختی است و نمایانگر صور انعکاسی جهان اطراف بوسیله انسان می باشد انسان در طی پوشش ادراک، تنها با اشیاء منفرد و ملموس ارتباط پیدا می نماید که بطور مستقیم بر اعضای حسی اش تأثیر می گذارد، لیکن به برکت اندیشه به کیفیت هایی در اشیاء پی می برد که مستقیماً قابل تشخیص و بررسی نمی باشند" (قاسم زاده، ۱۳۵۹). از دیدگاه فعالیت عصبی، اندیشه احتمالاً ناشی از یک طرح تحریک لحظه ای قسمتهای متعدد و متفاوت از سیستم عصبی بطور

همزمان است، که مهمتر از همه قشر مغز، تالاموس، رینانسفال و بخش فوقانی تشکیلات مشبک تنه مغزی را شامل می شود. نواحی تحریک شده رینانسفال، تالاموس و تشکیلات مشبک احتمالاً ماهیت خام فکر را تعیین کرده و به آن کیفیاتی از قبیل خوشایندی، ناخوشایندی، درد، راحتی و سایر مشخصات کلی را می بخشند. از طرف دیگر، نواحی تحریک شده قشر مغز، احتمالاً مشخصات دقیق فکر (از قبیل تصویر کردن اختصاصی احساسها در نقاط معین بدن و یا تعیین محل دقیق اشیاء در میدان بینائی)، طرح های دقیق احساسی (از قبیل شکل مربع مستطیلی یک دیوار آجری یا بافت فرش) و سایر مشخصات انفرادی دیگر را که در آگاهی کلی در یک لحظه خاص دخالت دارند تعیین می کند" (گایتون، ۱۳۵۶).

دیدگاه ابن خلدون در مقوله اندیشه و رفتار منبعت از قرآن کریم است و آنرا از عطاهای خداوند می داند. "بشر ذاتاً جاهل و از راه اکتساب عالم است و مطلوب خویش را به یاری اندیشه بدست می آورد" (ابن خلدون صفحه ۸۵۶). که استناد به آیه شریفه "والله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا و جعل لکم السمع والابصار والافئده لعلکم تشکرون". خداوند شما را از بطن مادراتان بیرون آورد در حالیکه هیچ نمی دانستید و به شما چشم و گوش و دلها (روان) اعطاء کرد تا مگر دانا شوید و شکر این نعمتهای جای آورید" (نحل، آیه ۷۷).

فرق انسان و حیوان را ابن خلدون در اندیشیدن می داند. "باید دانست که خدای سبحانه و تعالی، بشر را از دیگر جانوران، به اندیشه متمایز ساخته و این اندیشه را مبدأ کمال و نهایت فضیلت و شرف او بر کائنات قرار داده است" (همان منبع). انسان و حیوان هر دو مالک حواس (سامعه باصره، شامه، لامسه و ذائقه) می باشند و بدینوسیله می توانند بیرون از ذات خود را درک کنند اری اندیشه و رای حس است "اندیشه برتر از حس است و آن نیرویی است که در بطون دماغ او قرار داده شده است و بدان، صور

محسوس‌ها را انتزاع می‌کند و ذهن خود را در آنها به جنبش در می‌آورد و سپس از آنها صورتهایی دیگر را تجربه و انتزاع می‌کند" (همانجا صفحه ۸۶۰)، و این توانایی مختص انسان است. همه جانوران با انسان در خصوصیات حیوانی مانند حس و حرکت و تغذیه و پناهگاه زیستن، شرکت دارند و انسان از دیگر جانوران، تنها به مزیت اندیشه بازشناخته می‌شود (همانجا صفحه ۸۷۳).

ابن خلدون برای تفکر مراتب به خصوصی را قائل است و "روند تکوینی اندیشه و خلق و خوی را بارویکردی هوشمندانه، منطقی و حتی‌الامکان، به دور از پیش‌داوریهای ذهن گرایانه مورد بررسی قرار می‌دهد" (یاسمی، ۱۳۵۹).

مرتبۀ اول یا اندیشه تمیزی (احساسی یا بازشناختی): "که بدان آدمی سودها و معاش خویش را بدست می‌آورد و زیانها را از خود می‌راند" (ابن خلدون، صفحه ۸۶۰). این مرتبه از مراحل بدوی اندیشه است که مشخصه آن سهولت و سادگی آن و مالا" انسجام و نظم امور اولیه انسان، از آن حادث می‌شود و در واقع نوعی شناخت ابتدائی است.

مرتبۀ دوم یا اندیشه تجربی: "اندیشه‌ای است که بدان از عقاید و آداب زندگی بهره‌مند می‌شویم و آنها را در طرز رفتار و سیاست، با هموعان خود بکار می‌بندیم" (همانجا). معرفت انسان بر این اندیشه تدریجی و از طریق تجربه‌است و مهمترین کاربردآن، در زندگی اجتماعی است. انسان طبعاً مدنی است و این تجربیات باعث سازش، تطابق و همکاری او با سایر افراد جامعه می‌شود. این تجربیات فقط دریافت شده توسط شخص نیست بلکه می‌تواند توسط والدین و یا از طریق تجربیات علمی، اجتماعی و فرهنگی موجود در متون به انسان منتقل شود.

اندیشه تجربی، مرحله پیشرفته‌تری از اندیشه تمیزی است.

مرتبۀ سوم یا اندیشه نظری: اندیشه‌ای وری احساس است که انسان از معلومات خود به مجهول جدیدی معرفت پیدا می‌کند و در واقع شناخت واقعی است و یا به تعبیر ابن خلدون عقل محض است "وجود را، چنانکه هست، از راه جنسها، فصلها، و اسباب و علل آن تصور می‌کنیم در نتیجه به نیروی چنین اندیشه‌ای وجود را در کمال حقیقت آن درمی‌یابیم و آن وقت اینگونه اندیشه، عقل محض و نفس ادراک کننده می‌شود و معنی حقیقت انسانیت همین است" (همانجا صفحه ۸۶۱).

ابن خلدون اندیشه و مراتب آنرا آگاهانه می‌داند (حمید، ۱۳۴۳). اندیشه انسان هدفدار است و معمولاً به "دریافت راه حل مشکلی و یا عملی منتهی می‌شود" (پورافکاری، ۱۳۶۴). ابن خلدون رفتار انسان را ماحصل اندیشه او می‌داند "افعال در جهان حادثات، تنها به نیروی اندیشه انجام می‌پذیرد" (ابن خلدون، صفحه ۸۶۱). و بینش خود را با مثالی روشن‌تر می‌کند. "کسی که دربارۀ ایجاد سقفی بیندیشد، نخست ذهن او به ساختن دیوار منتقل می‌گردد و سپس پایه و بنیانی در نظر می‌آورد و در عمل از پای بست آغاز می‌کند و سپس به ساختن دیوار می‌پردازد و سرانجام سقف را بنا می‌کند. بنابراین سقف، آخرین عمل است. بنابراین آغاز کار پایان اندیشه است" (همانجا صفحه ۸۶۲). پس رفتار معقول انسان جز به یاری اندیشیدن به وقوع نمی‌پیوندد. حیوانات چون قدرت اندیشه عالی ندارند بنابراین رفتار آنها دارای انتظام معقول نیست و متأثر از حواس آنهاست و بنظر ابن خلدون رفتار منسجم و حادث به نیروی اندیشه، از مواهب الهی است.

"افعال بشر می‌تواند بر آنچه در عالم حوادث هست، استیلا یافته و همه آنها در زیر فرمان او قرار گرفته و مسخر اراده او شود و نفس جانشین ساختن بشر، که در گفتار خدای متعال بدان اشاره شده همین است" (همانجا صفحه

۸۶۳)، منظور آیه شریفه "آئی جاعل فی الارض خلیفه، گفت من در زمین جانشینی پیدا می‌کنم" (بقره، آیه ۲۸). و یا "و فضلناهم علی کثیر، مَن خلقنا تفضیلا، و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم" (اسراء، آیه ۷۲).

ابن خلدون به سه جهان اعتقاد دارد: جهان حس، که توسط مشاعر حسی درک می‌شود، که انسان و حیوان در درک این جهان با هم شریک هستند.

جهان اندیشه که برتر از جهان حس است و مختص انسان است.

جهان روحانی که از طرق درک این جهان، قرآن مجید، عقول و برهان است "جهان روحانی بر فراز جهان

بشری است و ذوات جهان روحانی یکسره ادراک صرف و تعقل محض است" (ابن خلدون، صفحه ۸۷۰).

ابن خلدون انسان را دارای جهل ذاتی و دانش کسی می‌داند. اندیشه و رفتار آموختنی است و این آموزش جز به اراده خداوند متعال امکان پذیر نیست. "علم الانسان مالم يعلم، به انسان آنچه نمی‌دانست بیاموخت" (علق، آیه ۵). رفتار و اندیشه "باعث انسجام اجتماعی بشر می‌شود" (شیخ، ۱۳۵۷). ابن خلدون مخالف عقیده کسانی است که "اندیشه را عامل قاطع و تعیین کننده محیط طبیعی بشر در عرصه زندگی اجتماعی نمی‌دانند" (ا. ک. برن، ۱۳۵۳).

منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۶۲). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی، از مجموعه میراث ایران و اسلام مرکز انتشارات علمی و فرهنگی چاپ چهارم، تهران. صفحه ۸۶۹
- اتکینسون، ریتا، اتکینسون، ریچارد، هیلگارد، ارنست (۱۳۷۰). زمینه روانشناسی. ترجمه دکتر محمد نقی براهنی و همکاران، انتشارات رشد. چاپ پنجم، تهران. صفحه ۴۵۷
- سوره اسراء آیه ۷۲ ترجمه الهی قمشه‌ای
- اکبرن و نیم‌کوف (۱۳۵۳). زمینه جامعه شناسی. ترجمه امیر حسین آریانپور. کتابهای جیبی، چاپ هشتم تهران. صفحه ۱۱۴ و ۱۱۵
- سوره بقره آیه ۲۸ ترجمه ابوالقاسم پاینده
- پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۶۴). نشانه شناسی بیماریهای روانی. چاپ تابش تبریز چاپ اول صفحه ۷
- حمید، حمید (۱۳۴۳). مجملی در باب آراء ابن خلدون ترجمه از ISLAMIC REVIEW مجله کیهان هفته شماره ۷۱، صفحه ۹۷
- شیخ، محمد علی (۱۳۵۷). پژوهشی در اندیشه‌های ابن خلدون. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران. صفحه ۱۰۳
- سوره العلق آیه ۵، ترجمه ابوالقاسم پاینده
- قاسم زاده، حبیب‌الله (۱۳۵۹). سیری کوتاه در نظریه ابن خلدون..... نشریه روانشناسی و روانپزشکی بازتاب، شماره ۲ صفحه ۵۷

گایتون، آرتور (۱۳۵۶). فیزیولوژی پزشکی. ترجمه دکتر فرخ شادان، انتشارات چهر، چاپ پنجم، تهران. صفحه ۱۴۴۵.
سوره النحل آیه ۷۷ ترجمه الهی قمشه‌ای
یاسمی، محمد تقی، (۱۳۵۹). بررسی دیدگاه‌های ابن خلدون در روانشناسی اجتماعی. نشریه روانشناسی و روانپزشکی
بازتاب شماره ۲، صفحه ۷۶

بکارگیری توصیه‌های

بهداشت روانی در کودکی،

معادل پیشگیری

از

بروز اختلالات روانی

در بزرگسالی

است.